

سیاست اسرائیل در قبال ایران در حال شکست تدریجی است

در ادامه، به چرایی این موضوع می‌پردازیم. براساس گزارش‌ها، اسرائیل، حملات خود به ایران را در هفته‌های اخیر، تشدید کرده است. برخلاف راهبرد دولت پیشین که بر ایجاد خرابکاری در برنامه هسته‌ای ایران و ترور دانشمندان هسته‌ای این کشور تمرکز داشت، اکنون، گویا این راهبرد تعمیم پیدا کرده و شامل هدف قرار دادن سایر دانشمندان و مسئولان برنامه‌های موشکی و پهپادی و همچنین، نیروهای سپاه قدس شده است. گویا نخست‌وزیر، نفتالی بنت^۱ که به وعده‌اش برای اجرایی کردن «مرگ تدریجی» عمل نمود، این حملات را تأیید کرده است (از جمله آن‌ها، ترور افسر ارشد سپاه قدس، سرهنگ حسن صیاد خدائی در ۲۲ می است). این واقعه، اضافه می‌شود به سایر ترورها و خرابکاری‌های اخیر که منسوب به اسرائیل هستند؛ از جمله حملات سایبری، حمله به یک آشیانه مخفی نگهداری پهپادها در

تشدید حملات اسرائیل به ایران در هفته‌های اخیر، موضوعی است که کارشناسان روابط بین‌الملل به آن اذعان دارند. این اقدامات برخلاف رویه و راهبرد دولت قبلی اسرائیل است. در هر حال، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین بخش این دستاورد اسرائیل، عبارت است از متقاعد شدن دولت جو بایدن برای قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی وزارت امور خارجه آمریکا. از طرفی تحریم‌های اقتصادی ادامه‌دار، عملیات مخفیانه گوناگون و تهدید برای بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران، موجب توقف برنامه هسته‌ای این کشور نشده، رفتارش را نیز تغییر نداده و بسیار جای تردید است. چنین سیاستی، در آینده نیز بتواند موفق باشد. این تصور هم که یک «تهدید نظامی قابل اعتنا» علیه برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد، صحیح نیست. اسرائیل در حال انباشت موفقیت‌های تاکتیکی است، در حالی که راهبردش در قبال ایران، روبه شکست است. در واقع، میان اظهارات مقامات ارشد اسرائیل و واقعیت موجود در صحنه، شکافی وجود دارد که روز به روز بزرگتر هم می‌شود.

1. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/israels-policy-toward-iran-is-failing-by-a-thousand-cuts-heres-why/>
2. Naftali Bennett



بسیار در اسرائیل، مورد استقبال و تمجید قرار گرفت، کار ایران را برای پذیرش بازگشت به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، بسیار دشوار کرد که به خوبی با موضع رسمی اسرائیل برای مخالفت با برجام همخوانی دارد؛ علیرغم دیدگاه بسیاری از مقامات سابق اسرائیل مبنی بر اینکه خروج آمریکا از این توافق، یک اشتباه است. از دید یک ناظر، به نظر می‌رسد که اسرائیل در زمینه ایجاد سردرگمی و آشوب در رژیم ایران، موفق عمل کرده است. این کشور، همچنین بازدارندگی خود علیه ایران را به شکلی ایجاد کرده است که باعث تقویت وجهه نخست‌وزیر در داخل اسرائیل می‌شود، در مقطعی که دولت ائتلافی او در معرض خطر

امر، اشاره‌ای است به دکترین اختاپوس^۲ که توسط بنت ابداع شده است). اعضای ارشد نهاد دفاعی اسرائیل، از اظهارات او انتقاد کردند؛ کسانی که مدعی بودند، چنین اظهار نظرهایی فقط موجب افزایش انگیزه ایران برای انتقام گرفتن از اسرائیل می‌شود و معتقدند در مقطع کنونی، بهترین کار، این است که سکوت اختیار شود.

در حال، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین بخش این دستاورد اسرائیل، عبارت است از متقاعد شدن دولت جو بایدن^۳ برای قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی وزارت امور خارجه آمریکا. این اقدام که

۱۴ فوریه، مرگ مشکوک یکی از مهندسان شاغل در یک سایت مهم نظامی توسعه موشکی در ۲۴ می و مرگ دو متخصص غنی‌سازی اورانیوم و صنعت پهپاد که در ۴ ژوئن گزارش شد. در روز ۷ ژوئن، بنت ضمن اشاره به مسئولیت اسرائیل، به کمیته دفاعی و امور خارجی کنست^۱ گفت: «روزهایی که ایران، مکرراً به اسرائیل آسیب می‌زند، وحشت و ترور را از طریق نائبان خود در منطقه ما، گسترش می‌داد و در نهایت هم آسیبی نمیدید، به پایان رسیده است... ما در همه مکان‌ها و زمان‌ها، فعالیت و حضور داریم و به این کار نیز ادامه خواهیم داد» (این

2. Octopus Doctrine
3. Joe Biden

1. Knesset Foreign Affairs and Defense Committee

کشورهای تحریم شده» از جمله روسیه و چین، شده است که می‌خواهند در برابر تهدیدهای آمریکا ایستادگی کنند. دولت بایدن، همچنین با توجه به بهای بالای بنزین، تمایلی برای اعمال فشار بیشتر ندارد. همسایگان عرب ایران در سرتاسر خلیج فارس نیز از منزوی ساختن و تحت فشار قرار دادن ایران، واهمه دارند و به نظر می‌رسد که آن‌ها، نمی‌خواهند تحریم‌ها را بر ایران اعمال کنند؛ موضعی که باعث شد تا دولت ترامپ، علناً از امارات به دلیل نادیده گرفتن فرار از تحریم‌ها انتقاد کند.

این تصور هم که یک «تهدید نظامی قابل اعتنا» علیه برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد، صحیح نیست. آخرین زمانی که ایران، واقعاً احساس تهدید کرد، سال ۲۰۰۳ بود، زمانی که ده‌ها هزار نیروی آمریکایی به عراق حمله کردند، دیگر نیروهای این کشور نیز در افغانستان باقی ماندند و تهران، می‌ترسید که گزینه بعدی باشد. این نوع از تهدید و خطر با توجه به بحران‌های شدیدتر موجود و تمایل آمریکا برای کاهش حضور نظامی خود

(موضوعی برای ارائه پیشنهاد محکومیت نه‌چندان محکم در نشست ۸ ژوئن وین)، می‌تواند برای افزایش فشار بر تهران، مورد بهره‌برداری قرار بگیرد یا خیر؟ اسرائیل در مواجهه با این تحولات، همچنان به اتخاذ موضع سؤال‌برانگیز «توقف کامل غنی‌سازی در تمامی سطوح» ادامه می‌دهد، درحالی‌که بربیک «نقشه دوم» غیرواقع‌بینانه متکی است. تحریم‌های اقتصادی ادامه‌دار، عملیات مخفیانه گوناگون و تهدید برای بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران، موجب توقف برنامه هسته‌ای این کشور نشده، رفتارشان را نیز تغییر نداده و بسیار جای تردید است که چنین سیاستی، در آینده نیز بتواند موفق باشد. در جهانی که با کمبود نفت، روبه‌رو است و تمایل دارد تا تحریم‌ها را دور بزند، مفهوم «فشار حداکثری» دوران ترامپ، دیگر کارآمد نیست. درآمدهای ایران از صادرات نفت در شرایط نظام تحریم‌های کنونی، حاکی از این واقعیت است. اکنون، ایران نه تنها در دورزدن تحریم‌ها تبحر دارد، بلکه جنگ اوکراین نیز باعث گسترده شدن «ائتلافی از

فروپاشی قرار دارد. البته واقعیت برنامه هسته‌ای ایران که در جریان نشست ۶ ژوئن شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ در وین^۲ آشکار شد، نشان دهنده عمق پیشرفت این کشور در این عرصه، علیرغم تلاش‌های اسرائیل برای خنثی‌سازی و ممانعت از آن است. ایران، همچنان به غنی‌سازی ده‌ها کیلوگرم اورانیوم با خلوص ۶۰ درصد ادامه می‌دهد، سانتریفیوژهای آی آر ۶^۳ را در یک تأسیسات زیرزمینی در فردو، نصب کرده و اورانیوم فلزی تولید می‌کند. تمامی این اقدامات در قالب برجام ممنوع بود؛ همان توافقی که اسرائیل، با عصبانیت با آن مخالفت ورزیده و در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ^۴، لایبگیری موفق علیه آن به عمل آورد (ترامپ در سال ۲۰۱۸، علیرغم اینکه ایران توافق را نقض نکرد، از آن خارج شد). همچنین، جای تردید است که آیا عدم ارائه توضیح از سوی ایران، درباره چرایی پیدا شدن نشانه‌هایی از وجود اورانیوم در اماکن از پیش اعلام نشده

1. Atomic Energy Agency's Board of Governors
2. Vienna
3. IR6
4. Donald Trump

در خاورمیانه، دیگر تکرار نخواهد شد؛ بنابراین، درحالی که اسرائیل، همچنان موفقیت‌های تاکتیکی چشم‌گیری را تجربه می‌کند، اما از نظر راهبردی، به هدف خود مبنی بر ممانعت ایران از توسعه یک برنامه هسته‌ای پیشرفته، دست نیافته است. اسرائیل هنوز این ذهنیت را - که به دهه‌ها پیش مربوط است - در سر می‌پرواند، بدون اینکه درک کند، جهان تغییر کرده و برنامه هسته‌ای ایران نیز تکامل یافته است. در واقع، مبنای سیاست اسرائیل، همچنان بر این اندیشه استوار است که می‌توان ایران را از توانایی‌های هسته‌ای محروم کرد، حتی اگر برنامه هسته‌ای این کشور، آن چیزی نباشد که یک دهه قبل بود. ایران در غلبه بر موانع حوزه فناوری، موفق عمل کرده است، به ویژه در زمینه غنی‌سازی و ساخت سانتریفیوژ. دانش در ایران، گسترده است و در اذهان تعداد بی‌شماری از دانشمندان هسته‌ای، وجود دارد و بیشتر از آن هستند که بتوان، آن‌ها را نابود کرد. همچنین، اگر تأسیسات هسته‌ای ایران به شکلی خارق‌العاده محو شوند،

این کشور، همچنان قادر خواهد بود تا به دلیل دارا بودن دانش و فناوری این عرصه، آن‌ها را دوباره و ظرف چند ماه بازسازی کند. به علاوه، بر اساس نظرسنجی که شورای شیکاگو انجام داد، برنامه هسته‌ای در ایران، مورد حمایت مردم است، لذا حتی اگر سران کشور یا نظام فردا تغییر کنند، بازهم بعید است که این برنامه، کنار گذاشته شود.

در نهایت، راهبرد اسرائیل برای مرگ تدریجی، در یک «جنگ بین جنگ‌ها» بر مسائل منطقه‌ای نیز منطبق شده است. به هر شکل، حملات اسرائیل به سوریه و لبنان، نتوانسته است رفتار و موضع ایران را تغییر دهد و موجب تضعیف حزب الله لبنان نیز شود. با توجه به این واقعیت‌ها، اسرائیل فقط یک پیروزی شکست‌آمیز در مقابل ایران، به دست آورده است. در بهترین حالت، حملات اسرائیل، موجب توقف این برنامه می‌شود. در بدترین حالت، آن‌ها ایران را تشویق می‌کنند تا سریع‌تر گام بردارد. اسرائیل، به برآورد مجدد و اتخاذ راهبردی نیاز دارد که با وضعیت کنونی برنامه هسته‌ای

ایران، منطبق بوده و به آن، اجازه دهد تا تأثیر بیشتری بر افکار عمومی بین‌المللی داشته باشد. سخن آخر اینکه، اسرائیل در حال انباشت موفقیت‌های تاکتیکی است، درحالی که راهبردش در قبال ایران، روبه شکست است. در واقع، میان اظهارات مقامات ارشد اسرائیل و واقعیت موجود در صحنه، شکافی وجود دارد که روزه‌روز بزرگتر هم می‌شود.

پس لازم است تا یک سیاست متعادل اتخاذ شود که شرایط برنامه هسته‌ای ایران را مدنظر قرار دهد، آن هم قبل از اینکه خیلی دیر شود. مقامات اسرائیل، باید به یاد داشته باشند که اعمال فشار و منزوی ساختن ایران و همچنین، تغییر معادله بازدارندگی میان کشورها، می‌تواند به بروز یک واکنش شدید از سوی تهران، منجر شود و به یک رویارویی منطقه‌ای منتهی گردد.

نویسنده: دنی سیتزینوویچ^۲

مترجم: هادی قربانپار